

افزایش هزینه‌های نظامی ایران؛ ضرورتی انکارناپذیر

جواد شعیبانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۹/۲۷

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره دوازدهم - پاییز ۱۳۹۰

چکیده

بررسی هزینه‌های نظامی کشورهای عضو یک محیط امنیتی موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده است. این مقاله به موضوع هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی و مقایسه آن با کشورهای عضو محیط امنیتی می‌پردازد. فرضیه مقاله آن است که هزینه‌های نظامی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه که خطری هم آنها را تهدید نمی‌کند بسیار اندک است و باید متناسب با نیازهای امنیتی افزایش یابد. به دلایل متعدد مانند لزوم بازسازی نظامی پس از جنگ تحمیلی، لزوم تبدیل یا از رده خارج کردن تجهیزات قدیمی و فرسوده باقی‌مانده از زمان شاه، تهدیدهای بسیاری که متوجه نظام جمهوری اسلامی بوده است، جنگ تحمیلی هشت ساله با عراق و تهدیدهای مشرف به جنگ طالبان در افغانستان، حملات نظامی آمریکا به دو کشور همسایه و اشغال آنها توسط نیروهای بین‌المللی، افزایش چشم‌گیر تهدیدهای رژیم صهیونیستی، مسابقه تسلیحاتی رایج در منطقه خلیج فارس و نگرانی‌های متعدد در محیط امنیتی هزینه‌های نظامی ایران بسیار کمتر از میزان مورد نیاز در موارد مشابه است.

واژگان کلیدی

هزینه‌های نظامی، محیط امنیتی، مسابقه تسلیحاتی، خاورمیانه، خلیج فارس



مقدمه

خاورمیانه از دیرباز یکی از حساس‌ترین مناطق جهان بوده است. پیدایش تمدن‌های اولیه، زمینه و ظرفیت‌های بسیاری برای فراز و فرودهای تمدنی در این نقطه از جهان فراهم آورده است. بنا به گواهی تاریخ و مورخان برجسته، هیچ دوره‌ای را نمی‌توان در نظر گرفت که طی آن این منطقه در حاشیه تاریخ قرار گرفته باشد. در صد سال گذشته در پی کشف نفت، اهمیت این منطقه به تدریج فزونی گرفته و همواره در متن تحولات سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان جایی ویژه به خود اختصاص داده است. موقعیت راهبردی منطقه که به خوبی می‌توان از آن به عنوان چهارراه جهانی یا به تعبیری، نقطه اتصال قاره‌ها یاد کرد، به تدریج همپای توسعه جهانی رشد و اهمیتی ویژه یافت. در این میان، نفت نقش و کارکردی انحصاری یافت و به صورت روزافزون بر قدر و قیمت این منطقه افزود. این سرمایه که می‌توانست زمینه را برای رشد و توسعه کشورهای عموماً عقب‌مانده اما صاحب ثروت فراهم آورد، به دلایل و عوامل مختلف به مصارف دیگری غیر از رشد و توسعه پایدار در منطقه رسید (Rabasa, 2004: 15). در چهار دهه اخیر، عموم کشورهای نفت‌خیز منطقه با تکیه بر این منابع هنگفت، به گونه‌ای غیرقابل تصور به سمت و سوی نظامی‌گرایی رفته و منابع بسیاری در این راه به هدر داده‌اند (Nordhaus and Others, 2009).

پژوهش‌های بسیاری در مورد علل صرف هزینه‌های هنگفت نظامی در جهان به خصوص در این منطقه شده و زمینه‌های آن مورد واکاوی بسیاری قرار گرفته است. در بسیاری از این پژوهش‌ها نگرانی اعضای محیط امنیتی از رقبای قدرتمندتر به عنوان مهم‌ترین عامل بیان شده است (Ibid). برخی دیگر به شوک نفتی و تأثیر آن بر سطح کشورهای نفت‌خیز اشاره کرده‌اند و اینکه سیل دلارهای نفتی به منطقه سبب بروز مسابقه تسلیحاتی و رشد بی‌سابقه هزینه‌های نظامی شده است (Nitzan and Shimhon, 1995: 446-515). گروهی دیگر بر این باورند که اختلافات ارضی و مرزی بی‌شمار میان کشورهای منطقه باعث رشد هزینه‌های نظامی شده است (Sadowki, 1993). پاره‌ای از محققان نیز دخالت‌های عوامل فرامنطقه‌ای و قدرت‌های برتر جهان در این منطقه و تجهیز و تسلیح طرفداران خود را مهم‌ترین عامل هزینه نظامی دانسته‌اند (Agha Husain and Others, 2003: 116). نکته جالب اینکه تقریباً تمام موارد یادشده



متکی بر استدلال‌ات و مبتنی بر آمار و ارقام مستند است. این مقاله قصد ندارد هزینه‌های نظامی واحدهای سیاسی مختلف را بسنجد و به علل کاهش یا افزایش این هزینه‌ها طی دو دهه اخیر بپردازد. گرچه در خلال بحث به آمار هزینه‌های نظامی و معیارهای مختلفی که کشورها برای ارزیابی تأمین امنیت خویش بدان توجه می‌کنند پرداخت شده، اما هدف اصلی مقاله بررسی این نکته است که در قیاس با محیط‌های امنیتی که جمهوری اسلامی عضو آنهاست، آیا این هزینه‌ها متناسب است و برای تأمین امنیت کفایت می‌کند؟ بنابراین، فرضیه مقاله این است که «هزینه‌های نظامی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه که تهدیدی جدی متوجه آنان نیست، بسیار کمتر از میانگین اعضای محیط امنیتی است و با توجه به تهدیدهای روزافزون باید افزایش یابد». براساس داده‌های مختلف و در دسترس، تقریباً تمام عناصر فعال عضو محیط‌های امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی (اعم از کشورهای دوست، رقیب یا دشمن) در قیاس با تهدیدها و نگرانی‌های امنیتی که متوجه تهران است، بسیار بیشتر و گسترده‌تر در حوزه‌های نظامی خود هزینه می‌کنند.

سابقه

پژوهش در مورد هزینه‌های نظامی کشورهای جهان توسط مجموعه‌های متعددی انجام می‌شود. سازمان‌های مختلفی نظیر مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI)، آژانس آمریکایی کنترل تسلیحات و خلع سلاح (USACDA)، مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS)، بنیاد بین‌المللی پول (IMF)، سازمان ملل متحد، بانک جهانی (WB) حتی آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) سالانه اطلاعات خام و البته دسته‌بندی شده در این زمینه را منتشر می‌کنند. در کنار حجم انبوه منابع و مراکز مطالعاتی، پژوهش‌های موردی مناسبی تاکنون توسط مراکز انجام شده است. برخی صاحب‌نظران سیاسی نیز به این موضوع از منظرهای گوناگون پرداخته و علل کاهش یا افزایش هزینه‌های نظامی را کاویده‌اند. نکته مهم آنکه به دلیل فضای رسانه‌ای غالب و به رغم وجود اطلاعات نقیض، به دلایلی که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد، ایران همواره در معرض بیشترین انتقادات در مورد هزینه‌های نظامی قرار گرفته است. برای مثال، در نوشته‌های آنتونی کرزمن ایران همواره متهم

به نظامی‌گرایی شده است.^۱ در سایر کتب و مقالاتی که در این زمینه به چاپ رسیده همین مفهوم به زبانی دیگر بیان شده است. در این زمینه می‌توان به موارد مختلف دیگری اشاره کرد که برخلاف داده‌های مراکز معتبر جهانی، روند تخصیص هزینه‌های نظامی ایران مورد نقد و اعتراض واقع و به صراحت از آن به عنوان نظامی‌گرایی ایران یاد شده است (Schoenbaum, 2009: 321).

مدل مفهومی یا چارچوب تئوریک

پیش از ورود به بحث اصلی، ارائه مدل مفهومی یا چارچوب تئوریک برای این موضوع ضروری می‌نماید. در بررسی موضوع امنیت طیفی گسترده از نظریه‌ها وجود دارد که هریک در دوره‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند. در دو سر این طیف می‌توان به آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان اشاره کرد.^۲ بدیهی است تفکرات قدیم و جدید، توجه به واقعیات موجود طی نیمه دوم قرن بیستم، ناکارآمدی در ارائه چارچوب نظری برای تأمین امنیت و رخداد حوادثی که قابل توجیه و تفسیر توسط هیچ‌یک از دو مکتب فکری فوق نبود و دلایل و عوامل متعدد دیگر زمینه را برای پیدایش مکاتب فکری جدید باز کرده است. در این میان مکتب کپنهاگ^۳ که در میانه این طیف گسترده قرار گرفته نقش و جایگاهی ویژه در نظریه‌پردازی امنیتی ایفا کرده است. ویژگی برجسته این مکتب نگاه چندمحوری، تاریخی و البته مبتنی بر واقعیات و پرهیز از خیال‌پردازی است. افزون بر آن، سطوح تحلیلی که ارائه می‌دهد و لایه‌های متفاوتی که برای تأمین

۱. کارشناسان مختلفی از خطر ایران به طور مکرر در نوشته‌های خویش یاد می‌کنند. کاتزمن، تیمرن و کردزمن در این زمینه گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. برای مثال، پیش از شروع جنگ با عراق، کردزمن گزارش‌های بسیاری در مورد سلاح‌های کشتار جمعی موجود در عراق منتشر کرد که بسیار تحریک‌کننده بود. پس از خاتمه جنگ و اشغال عراق نادرستی گزارش‌های وی به اثبات رسید. پس از عراق وی به طور مشخص چندین کتاب درباره ایران به چاپ رسانده است که چهره‌ای بسیار غیرواقعی از ایران را به تصویر می‌کشد. برای اطلاع بیشتر به دو کتاب با مضمون و حتی تشابه بسیار عنوان‌هایش مراجعه کنید:

Anthony Cordesman & Adam Sietz, *Iranian Weapons of Mass Destruction*, Santa Barbara (CA): Greenwood Publishing Group, 2009.

Anthong Cordeman and Khalid Alrodham, *Iran Weapons of Mass Destruction*, Washington: trategic Intitute and International Studies, 2006.

۲. یکی از مهم‌ترین آثار در این زمینه بی‌گمان نوشته‌های مارتین ویت است. برای اطلاع بیشتر رک:

Martin Wight, Gabriele Wight & Braian Porter, *International Theory: The Three Traditions*, Eicester: Leicester University Press, 1991.

3 . Copenhagen School



امنیت برمی‌شمارد، به این دیدگاه ارجحیت و ارجمندی مناسبی در فهم بهتر روابط بین‌الملل می‌بخشد. باری بوزان، اوله ویور، و جاپ وایلد چهره‌های شاخص این مکتب‌اند (رک: Paul, 2008).

بدون شک، باری بوزان را می‌توان مهم‌ترین و مطرح‌ترین چهره این مکتب دانست. تکیه و توجه ویژه او بر امنیت و روش‌های تأمین آن بدون کار بست قدرت عریان (نقطه کانونی واقع‌گرایی) و گسترش حوزه امنیت از حوزه نظامی به سایر عرصه‌ها نظیر سیاست، اجتماع، اقتصاد و محیط زیست با هدف دستیابی به صلحی پایدار و ماندگار (محور آرمان‌گرایی) این دیدگاه را در تجزیه و تحلیل مسائل جهانی کاربردی‌تر کرده است. بوزان سه سطح تحلیل فردی، منطقه‌ای و جهانی ارائه می‌کند و در تحلیل نهایی خود تأمین امنیت واحدهای سیاسی را به این سه سطح مرتبط می‌سازد (Buzan, 1983: 21). مقاله حاضر با تکیه بر این دیدگاه و چارچوب مفهومی که بوزان ارائه می‌کند به تحلیل محیط امنیت می‌پردازد و نقش کشورهای عضو این محیط امنیتی را در تأمین امنیت منطقه مورد توجه قرار می‌دهد.

اگرچه در این زمینه «راش» پیشتر تلاش‌های نظری خوبی انجام داده و از شبکه‌ای امنیتی^۱ یاد می‌کند که تأثیری عمیق بر امنیت همه واحدهای سیاسی می‌گذارد، اما بوزان این اندیشه را در سیر تاریخی خود قرار می‌دهد و از آن استنتاجات بهتری به دست می‌دهد (Rush, 1988: 671-698). «محیط امنیتی»^۲ و «موازنه تهدید»^۳ دو اصطلاحی هستند که نقش محوری در تبیین وضعیت امنیت از منظر مکتب مذکور دارند. از نظر بوزان، شناخت محیط امنیتی بدون توجه به جغرافیا، توزیع قدرت میان کشورهای عضو و کنش و واکنش میان دولت‌ها، بررسی میزان حسن یا سوءنیت کشورها نسبت به یکدیگر و از همه مهم‌تر فناوری نظامی میسر نمی‌شود (Tang, 2000: 1-39). والت نیز معتقد است که بدون شناخت تهدیدها و موازنه‌ای که میان اعضای محیط امنیتی شکل می‌گیرد، نمی‌توان از امنیت صحبت کرد (Walt, 1987: 5). بر این مبنا نمی‌توان امنیت یک واحد سیاسی را منقطع و مجزا از سایر واحدهای عضو یک محیط امنیتی دانست و تلقی چنین امری غیرممکن است. البته عوامل

1. Security Web
2. Security Complex
3. Balance of Threat



فوق صرفاً درون‌زا نیستند، بلکه هر محیطی به دلیل وابستگی‌های بسیاری که به محیط‌های دیگر و در سطح جهانی دارد به میزان بهره‌ای که از قدرت و ظرفیت‌های مختلف می‌برد، تأثیرگذار یا متأثر از تحولات بیرونی خواهد بود (Tang, 2000).

از نظر بوزان، «آنارشی» در سطح بین‌المللی امری واقع است. به عبارتی، استقلال کشورها به آنان موقعیتی خاص می‌بخشد که بسته به توان و ظرفیت‌شان می‌توانند در محیط بلافصل پیرامونی، منطقه امنیتی، قاره‌ای یا سطح جهانی که نظمی بر آن حاکم نیست نقش ایفا کنند (Buzan, 1983: 21). از این منظر اقتدار سیاسی جهانی کاملاً میان کشورها اما نه به صورت متساوی، بخش بخش شده است. به دلیل تعارضات معمول میان کشورها و فقدان نهاد اثرگذار بین‌المللی و ذات مستقل حکومت‌ها از سوی همگان این آنارشی به رسمیت شناخته شده است. به رغم تلاش‌های صد ساله برای واگذاری نقش برتر به سازمان‌های جهانی نظیر جامعه ملل و سپس سازمان ملل، در این زمینه توفیق جدی حاصل نشده و مانعی برای ممانعت کشورها از توسل به زور و پرهیز از جنگ به وجود نیامده است. مهم‌ترین مانع مفهوم نهفته در این نظم آنارشی حاکم بر جامعه جهانی است که در بطن خود ناامنی‌آفرین است و به همین دلیل، کشورها برای تأمین نیازمندی‌های امنیتی خویش تمام رفتارهای امنیتی اعضای محیط پیرامونی را با بدبینی تفسیر می‌کنند و بر مبنای آن به کنش و واکنش متقابل دست می‌زنند (Ibid, P. 146). البته این مجموعه فاقد نظم و ساختار مشخص ارزش‌های قابل توجهی نظیر فقدان قوه قاهره جهانی، استقلال ذاتی واحدهای سیاسی، تفاوت‌های ایدئولوژیک، اختلافات زبانی، تاریخ مشترک و تمایزات فرهنگی را در خود مستتر دارد. در نتیجه، هر واحد سیاسی در جهت حفظ و گسترش منافعش که معمولاً با سایرین مغایر یا متضاد است، حداکثر تلاش خود را به کار می‌بندد.

بوزان در تشریح وضعیت محیط امنیتی با وام‌گیری از ادبیات واقع‌گرایی، متولی امنیت در سطح جهان را منحصرأ دولت می‌داند (با لحاظ شدت و ضعفی که از نظر قدرت و اقتدار میان کشورها و حاکمیت‌ها قائل می‌شود). با توجه به بی‌نظمی و آنارشی حاکم بر نظام بین‌الملل، مسئولیت تأمین امنیت شهروندان و اعمال حاکمیت بلامنازع و مصون نگهداشتن کشور از تعرضات احتمالی در فضایی به شدت رقابتی و احتمالاً خصمانه به طور کامل بر عهده دولت‌هاست (Ibid, P. 119). از این رو، مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها تأمین امنیت کشور در



گسترده‌ترین مفهوم آن به شمار می‌رود. این مسئولیت آنان را موظف می‌سازد بر اساس واقع‌بینانه‌ترین تفاسیر از امنیت به رصد وضعیت کشورهای هم‌جوار پردازند و بر مبنای کنش و واکنش‌های موجود میان اعضا همواره قدرت خود را هم‌سطح یا متوازن با دیگران قرار دهند، به گونه‌ای که رقبا حتی در صورت تمایل به تعرض، با برآورد هزینه‌های سنگین احتمالی از انجام آن صرف‌نظر کنند (Walt, 1987: 149). موازنه تهدید دقیقاً به همین موضوع اشاره دارد و امنیت جمعی کشورهای عضو محیط امنیتی را در گرو نوع نگرش و برآورد مستمر آنان از میزان تهدیدهای موجود و تلاش برای انطباق با آن (کاهش هزینه‌های نظامی به عنوان مهم‌ترین شاخص در شرایط وجود اعتماد متقابل یا افزایش مستمر در صورت وجود فضای خصمانه و به شدت رقابتی) می‌داند (Ibid, P. X).

مبتنی بر فضای فکری پیش‌گفته، شرایط امنیتی برای واحدهای سیاسی در بطن و متن آن بسیار شکننده خواهد بود. بنابراین، چنین وضعیت نابسامانی شرایط و لوازم و الزاماتی به شرح زیر بر کشور وارد می‌سازد:

- نمی‌تواند بر تداوم رفتار سیاسی همسایگانش اطمینان و روی همکاری با آنها تکیه کند.
- نمی‌تواند روابط سیاسی بادوام، مشترک و راهبردی با همسایگانش داشته باشد.

- به دلیل ضعف ساختار سیاسی کشورهای منطقه همواره در انتظار وقوع حوادث داخلی در کشورهای همسایه است.
- به دلیل ضعف کشورهای عضو محیط پیرامونی، دخالت خارجی همواره متصور است.
- تغییر نگرش حاکمان به دلیل ماهیت غیردموکراتیک دفاعی و سریع است و حتی جابه‌جایی حکومت‌ها به صورت خشن انتظار می‌رود.
- فشار و تهدید خارجی گاه در تحکیم موقعیت داخلی استفاده می‌شود.
- به دلیل ناامنی ائتلاف‌های موقتی شکل می‌گیرد.
- به دلیل ناامنی حکومت‌ها به سوی تشکیل حکومت‌های توتالیتر یا نظامی‌گرا سوق می‌یابند و همین خود موجب ناامن شدن بیشتر منطقه می‌شود.
- بی‌ثباتی درون‌زا قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای را به دخالت تحریک می‌کند و دور و تسلسل می‌آفریند.
- اعمال زور و قدرت در تعاملات منطقه‌ای اهمیت بیشتری می‌یابد و همین دلیل عمده‌ای می‌شود برای خریدهای تسلیحاتی به بهانه تأمین امنیت.

- این حرکت در بطن خود به سمت مسابقه تسلیحاتی به گمان تأمین امنیت پیش می‌رود و بازدارندگی مبتنی بر تهدید و وحشت می‌آفریند و در نهایت به جنگ نیز ختم می‌شود، زیرا تملک تسلیحات توهم قدرت می‌آفریند و همین توهم بر مشکلات امنیتی منطقه می‌افزاید.

بر اساس این چارچوب مفهومی، وضعیت محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی طی دو دهه اخیر بررسی می‌شود.

محیط امنیتی جمهوری اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی در ایران نه تنها گفتمان امنیتی منطقه را از اساس دچار تغییرات بنیادین کرد، بلکه تأثیرات آن تقریباً تمام جهان را دربرگرفت. اگر پیش از انقلاب محیط امنیتی ایران ذیل گفتمان دو بلوک شرق و غرب قابل توجیه و تفسیر بود، واقعیت آن است که خارج از این گفتمان و جدا از نوع پیوند رژیم سلطنتی با غرب، محیط امنیتی ایران چندان معنایی نمی‌یافت. تغییر رژیم حاکم، وقوع جنگ هشت ساله با عراق، فروپاشی نظام دوقطبی، اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش کشورهای جدید در مرزهای شمالی در ساختار امنیتی منطقه تغییراتی اساسی به وجود آورد. حملات یازدهم سپتامبر و واکنش شدید آمریکا به آن، سپس تغییر گفتمان جهانی مبارزه با تروریسم و پیامد آن که جنگ با دو کشور عراق و افغانستان و اشغال این دو کشور توسط ایالات متحده و هم‌پیمانانش بود، محیط امنیتی جمهوری اسلامی را به شدت تغییر داد (Afrasiabi and Maleki, 2003: 245- 256). این تغییرات امنیتی که هریک می‌توانست هر واحد سیاسی را دچار تنش و بحران‌های امنیتی کند، سبب شد جمهوری اسلامی بنیان‌های امنیتی متفاوتی برای هر حوزه در نظر بگیرد و در مجموع با تکیه بر رصد تغییر و تحولات حوزه‌های چندگانه امنیتی، راهبردهای متفاوتی اتخاذ کند (Ibid).

بررسی ژئواستراتژیک منطقه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی پس از جنگ با عراق و طی دو دهه اخیر محیط امنیتی متلاطم و پرفراز و نشیبی داشته است. ناپایداری امنیتی تقریباً در تمام کشورهای پیرامونی وجود داشته و همه کشورهای هم‌جوار در بحران‌های داخلی شدید یا جنگ و درگیری‌های کوتاه و درازمدت منطقه به نحوی نقش ایفا می‌کرده‌اند. صرف نظر از دخالت



قدرت‌های فرامنطقه‌ای که محیط امنیتی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد، طی دو دهه اخیر جمهوری اسلامی باید در قضایا و تحولات جاری و منطقه‌ای و محیط‌های امنیتی پیرامون خویش نقش ایفا و بسته به توان نظامی و امنیتی خود در تأمین امنیت پیرامونی کشور تلاش می‌کرد. با توجه به مشارکت سایر کشورها در محیط‌های امنیتی مشترک با ایران، از میان بازیگران مختلف در هر حوزه مهم‌ترین‌ها انتخاب و هزینه‌های نظامی کشور متناسب با توان کشورهای مؤثر در این حوزه (کشورهای برتر رقیب یا دشمن) در نظر گرفته شده و بر مبنای هزینه‌های نظامی کشورهای مختلف مقایسه صورت گرفته است. بر این اساس محیط‌های امنیتی پیرامونی را که در مجموع محیط امنیتی جمهوری اسلامی را شکل می‌دهند، می‌توان چنین ترسیم کرد:

- محیط امنیتی حوزه دریای خزر (روسیه، ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان)؛
- محیط امنیتی حوزه آسیای مرکزی (شامل کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان)؛
- محیط امنیتی حوزه قفقاز و ترکیه (ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان)؛
- محیط امنیتی حوزه مشرق عربی و هلال خصیب (عراق، فلسطین اشغالی، اردن، سوریه، لبنان و مصر)؛
- محیط امنیتی حوزه خلیج فارس (عربستان، عمان، امارات، کویت، بحرین، قطر، عراق و یمن)؛
- محیط امنیتی غرب آسیا (پاکستان، افغانستان، هند).

پرواضح است که نقش ایران در بسیاری از این محیط‌ها تعیین‌کننده و محوری است. از سوی دیگر، این نکته نیز آشکار است که در همه این محیط‌ها ایران رقبا و دشمنان سرسختی دارد که برای تأمین منافع ملی یا تضمین امنیت خود حاضر به رویارویی و جنگ هستند. جز محیط امنیتی آسیای مرکزی که برای ایران کم‌خطرترین حوزه محسوب می‌شود و اعضای این محیط تجربه جنگ و درگیری با یکدیگر را ندارند، تقریباً تمام رقبای ایران در محیط‌های پیرامونی سابقه و تجربه جنگ و تلاش جدی برای کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی را دارند. صرف نظر از این محیط، طی دو دهه گذشته مستقیم یا غیرمستقیم تمام اعضای محیط امنیتی پیرامون ایران در جنگ‌های کوتاه‌مدت یا درازمدت



درگیر بوده‌اند. روسیه در درگیری‌های میان آذربایجان و ارمنستان، افغانستان، چین، گرجستان، تاجیکستان، داغستان، یوگسلاوی سابق (بوسنی و صربستان) و هر دو جنگ خلیج فارس مشارکت فعال داشته است. ترکیه خود را یک طرف درگیری میان آذربایجان و ارمنستان می‌داند و در جنگ با عراق نیز مشارکت فعال داشته است. عربستان در دو جنگ علیه عراق مشارکت داشته است و تجربه جنگ در یمن نیز دارد. پاکستان از دیرباز در مسئله کشمیر با هند درگیر بوده و به همین دلیل و علل دیگر، چندین جنگ کم‌شدت با هند داشته است. البته رقابت هسته‌ای آنان بی‌تأثیر بر منطقه نبوده است. بر این موضوع باید مداخله جدی و جنگ نیابتی هر دو طرف در افغانستان را افزود. رژیم صهیونیستی نیز تجربه جنگ‌های متعدد با کشورهای هم‌جوار را داشته و در دوره مورد بحث با لبنان و سوریه وارد درگیری‌های متعدد شده است. جمهوری اسلامی نیز تجربه تحمل جنگ هشت ساله و تهدیدهای مکرر طالبان، القاعده، اسرائیل و آمریکا به جنگ مجدد را داشته است.

غالب اعضای مهم محیط‌های امنیتی پیرامون ایران در باشگاه اتمی عضوند.^۱ این نکته بر ثقل قدرت آنان در محیط امنیتی می‌افزاید و کشورهای رقیب را وادار می‌کند در این زمینه اقدام مشابهی انجام دهند یا دست‌کم ظرفیت‌های دفاعی خود را به نحوی بازدارنده بالا ببرند. قزاقستان مدت‌های مدید زرادخانه‌ای از انواع سلاح‌های اتمی داشت و به عنوان انبار مهمات شوروی در شرق محسوب می‌شد. این کشور به رغم تخلیه سلاح‌های اتمی بر جای مانده از شوروی سابق هم‌چنان به صورت غیررسمی با داشتن تعداد قابل توجهی سلاح عضو باشگاه اتمی است (Lugar, 1999). روسیه نیز با داشتن دومین جایگاه میان کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و به عنوان دومین قدرت اتمی جهانی بیش از ۲۰۰۰ کلاهک اتمی در اختیار دارد (Hackett, 2010: 222). ترکیه با عضویت در پیمان ناتو برای مدت‌ها به عنوان خط مقدم درگیری اتمی میزبان بیش از نود کلاهک اتمی بلوک غرب بود (Kristensen, 2005: 8).

در دو دهه اخیر نه تنها این تعداد کاهش نیافته بلکه بیشتر شده است. اسرائیل نیز به صورت غیررسمی عضو باشگاه اتمی است و به رغم سیاست

۱. جز جمهوری اسلامی ایران و عربستان تمام کشورهای هم‌جوار محیط امنیتی ایران عضو باشگاه اتمی و تولیدکننده یا دارنده سلاح‌های اتمی هستند. عراق نیز همین مسیر را طی می‌کرد که با حمله رژیم صهیونیستی به این کشور این

روند متوقف شد.



ابهامی که پیش گرفته، بر اساس کمترین برآوردهای انجام‌شده، حدود ۱۰۰^۱ کلاهک هسته‌ای دارد (Noriss and Kristensen, 2010: 77-83). پاکستان پس از انجام آزمایش‌های اتمی اثبات کرد که قادر به تولید بمب اتمی و در صورت لزوم کاربست آن در درگیری با هند است (Dittmer, 2005: 110-112). عراق تلاش بسیاری برای دستیابی به بمب انجام می‌داد اما در میانه راه بر اثر اقدام اسرائیل در بمباران تأسیسات اتمی این کشور دست از این کار کشید (Cordesman, 1999: 605-606). عربستان و جمهوری اسلامی تنها دو عضو امنیتی این مجموعه به شمار می‌روند که فاقد این تجهیزات‌اند؛ با این تفاوت که وابستگی‌ها و پیوندهای عربستان با آمریکا برای این کشور سپر حفاظتی و امنیتی مناسبی ایجاد و برخی گزارش‌ها از دفاع همه‌جانبه‌اشنگتن از عربستان حکایت می‌کند (Wilson, 1994: 123-124).

روابط و پیوندهای خارج از محیط امنیتی چنان که اشاره شد، نقشی مهم در افزایش نقش آفرینی و ایجاد ثقل در محیط ایفا می‌کند. این پیوندها (در هر شکل آن خواه روابط راهبردی، رابطه فرادست و فرودست، منافع مشترک، دشمنان مشترک و سایر زمینه‌های دوستی یا همکاری) سبب می‌شود که واحدهای سیاسی عضو از اعتماد به نفس بیشتری در پیگیری منافع ملی برخوردار شوند و نیازهای امنیتی خود را با اقتدار بیشتر و هزینه‌ای کمتر تأمین کنند. اگرچه احتمال دارد این پیوندها به ایجاد روابط راهبردی ختم نشود، اما در متن و بطن خود موجد امنیت افزون‌تر، قدرت بیشتر، افزایش رقابت و توان مقاومت در برابر اعضای دیگر و در نهایت تضمین‌کننده برتری رقیب در محیط خواهد شد. در چهار محیط امنیتی بسیار مهم پیرامون، ترکیه، عربستان، پاکستان و اسرائیل روابط سیاسی و نظامی بسیار عمیقی با آمریکا دارند. رقابت منطقه‌ای ایران با کشورهای محیط امنیتی با رقابت جهانی آمریکا برای کنترل این محیط درهم آمیخته است. افزون بر این، پیوندهای آمریکا با اعضای محیط امنیتی هزینه‌های امنیتی منطقه را عموماً و هزینه‌های امنیتی ایران را به ویژه بالا برده است. این

۱. البته برخی منابع این رقم را نادرست خوانده‌اند و به ارقامی بیش از این توجه دارند. برای مثال در این منبع زیر به تعداد ۵۰۰ کلاهک اتمی اشاره شده است.

Khondakar Golam Mowla, *The Judgment Against Imperialism, Fascism and Racism Against Khalifate and Islam*, Bloomington (Indiana): Author House, 2008, p.135.

پیوندها به حضور بیشتر آمریکا در منطقه انجامیده و به تعبیری به همسایگی این کشور و طبعاً افزایش میزان مداخله منجر شده است. در محیط امنیتی شمال و شمال شرق نیز روسیه نقش محوری ایفا می‌کند و می‌کوشد با تکیه بر سابقه ابرقدرتی در گذشته نزدیک، کنترل شدیدتری بر این محیط‌ها اعمال کند. بنابراین به نظر می‌رسد نوعی گفتمان دوقطبی نوکلاسیک هم‌چنان پیرامون جمهوری اسلامی ایران پایدار است. طبیعتاً در چنین فضایی برای جمهوری اسلامی که تمایلی به شرکت در دسته‌بندی‌های سیاسی رایج و قرار گرفتن ذیل گفتمان‌های قدرت فرامنطقه‌ای ندارد و سیاست نه شرقی و نه غربی را اتخاذ کرده کار را سخت‌تر می‌کند.

منابع تهدید در محیط پیرامونی ایران که تأثیر مستقیم بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی می‌گذارد بسیار متعدد و متنوع است. در شرق علاوه بر خطر جنگ و تعرض جدی، طالبان برای دو دهه تهدیدی مستقیم بود. خطر گسیل آوارگان، حضور صدها هزار پناهنده، نقل و انتقال تروریست‌های القاعده و نیز انتقال مواد مخدر به جامعه جوان ایرانی خطرهایی قابل توجه به شمار می‌رفتند. در جنوب مزاحمت‌های امارات بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی دست‌کم دو خطر را در بطن خود داشت: نخست، ایجاد مشکل امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران و بین‌المللی کردن موضوع؛ دوم، جلب حمایت‌های بیرونی برای ثقیل کردن کفه ترازو به نفع امارات از طریق اتحادیه عرب و آمریکا. در همین منطقه تهدید مهم‌تر دولت عربستان بود که طی چهار دهه گذشته همواره بر سر ایفای نقش با ایران به رقابت برخاسته و بر این رقابت صبغه دینی نیز بخشیده بود. عراق با ایجاد مشکل برای تمام اعضای محیط امنیتی به ویژه جنگ درازمدت با ایران و سپس حمله ناکام به کویت و عربستان، مهم‌ترین تهدید عینی طی دهه ۱۹۸۰ بود. اگرچه این تهدید در ابتدای دهه اول مورد بحث خاتمه یافت، اما با اشغال این کشور توسط آمریکا مجدداً به بستری برای تهدید ایران تبدیل شد. جنگ سرد و جدال آشکار ایران با رژیم صهیونیستی تأثیرات بسیار مهمی در محیط امنیتی ایران و راهبردهایش بر جای گذاشت و طی سه دهه به مهم‌ترین تهدید ثابت جمهوری اسلامی بدل شده است.

با روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه گرچه اندکی از دغدغه‌های امنیتی ایران کاسته شد، اما نگرانی قدرت گرفتن نظامیان در این کشور و ارتباطات ویژه



ترکیه با اسرائیل و ناتو همواره ایران را اندیشناک می‌کند. ترک‌ها نیز همواره به ایران به چشم رقیب می‌نگریسته‌اند.^۱ وضعیت نامشخص حقوق ایران در دریای خزر و اختلافات بین اعضا و منازعه بر سر منابع نفتی که ایران نیز در آن سهم دارد، بر نگرانی‌های کشورمان می‌افزاید (کاظم‌پور اردبیلی، ۱۳۷۷). نگرانی‌ها و تهدیدهایی که همواره از سوی اعضای محیط‌های امنیتی متوجه ایران است نه تنها رنگ نابخسته بلکه در پیوندهای نو میان اعضا با قدیمی‌ترین دشمن ایران (آمریکا) عمق و گستره بیشتری یافته است، به گونه‌ای که جمهوری اسلامی باید با تکیه بر منابع اندک در دو عرصه محیط‌های امنیتی پیرامونی و بین‌المللی برای تأمین امنیت خویش اقدام کند. به نظر می‌رسد متغیر سبب هزینه‌های نظامی که ایران برای مقابله با حوادث و بحران‌های مختلف فراهم آورده به حد لازم و کافی نیست. لازم است مبنی بر تهدیدهای بالقوه و بالفعلی که جمهوری اسلامی را هدف قرار داده، عده و عده مناسب‌تری فراهم آید و هزینه‌های نظامی ایران دست‌کم متناسب با متوسط هزینه‌های نظامی کشورهای عضو محیط امنیتی افزایش یابد. این نکته بدان علت حائز اهمیت است که به رغم فقدان تهدیدهایی مشابه، آنچه جمهوری اسلامی را هدف گرفته، هزینه‌های نظامی اختصاص یافته از سوی واحدهای سیاسی عضو است که در قیاس با ایران بسیار بیشتر بوده است. این موضوع به دلیل تهدیدهای بسیاری که در ادامه بحث به آنها اشاره می‌شود، اهمیتی ویژه می‌یابد.

تعریف هزینه‌های نظامی

برای ورود به بحث اصلی لازم است تعریفی پیراسته از هزینه‌های نظامی ارائه شود. این نکته بدیهی است که هر کشور بر مبنای دریافت خود از محیط امنیتی پیرامونش و با تکیه بر نیازمندی‌های امنیتی خود و البته با لحاظ دستیابی به حداکثر سطح منافع ملی و توجه به تهدیدهایی که متوجه آن است، تعریفی خاص از هزینه‌های نظامی خود ارائه می‌دهد (Remy, 1994: 14). به همین دلیل نمی‌توان از وجود یک استاندارد در این زمینه سخن گفت

۱. در این زمینه مقاله خواندنی هنری برکی در مجموعه مقالات زیر اطلاعات خوبی به دست می‌دهد:

Alvin Z. Rubinstein, Oles M. Smolansky, *Regional Power Rivalries in the New Eurasia: Russia, Turkey, and Iran*, New York: M E Sharpe, 1995, PP.147-168.

(Brzoska, 1998). با توجه به دشواری‌های مختلفی که ارائه تعریفی مشخص برای تعیین شاخص‌های هزینه‌های نظامی میان کارشناسان مختلف وجود دارد، ارائه مفهومی واحد و مورد قبول همگان میسر نیست. این معضل به دلایلی نظیر حساسیت افشای اطلاعات نظامی توسط کشورها، وجود طیفی گسترده از شاخص‌ها برای هزینه‌های نظامی، ناهمسانی سطح اقتصادی کشورها، وجود تورم و مشکلات اقتصادی پنهان، گستره شمول واحدهای تأمین‌کننده امنیت در کشورهای مختلف، و تعاریف مختلف از واحدهای نظامی و نهادهای وابسته، عملاً امکان ایجاد وحدت نظر را به حداقل رساند است (Ian, 1994: 38). میان تعاریف ارائه‌شده از سوی سازمان‌های پیش‌گفته و سایر صاحب‌نظران، با توجه به تعریف شفاف‌تری که مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم از هزینه‌های نظامی ارائه کرده و مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است و نیز نظر به اینکه آمار و استنادات مورد استفاده در این تحقیق از منبع سیپری است، تعریف این مؤسسه مبنای عمل تحقیق قرار می‌گیرد. بنابراین، هزینه‌های نظامی عبارت است از: «تمام هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌ای در نیروهای نظامی، وزارت دفاع و سایر نهادهای حکومتی درگیر در موضوعات دفاعی نیروهای شبه‌نظامی که آموزش‌دیده و در مواقع لزوم قادر به مشارکت در عملیات‌های نظامی هستند و نیز فعالیت‌های نظامی فضایی اطلاق می‌شود. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های پرسنلی (پرداخت‌های جاری، هزینه‌های بازنشستگان و هزینه‌های خدمات اجتماعی خانواده‌های آنان)، عملیات‌های نظامی و هزینه‌های تعمیر و نگهداری، تهیه سلاح، تحقیق و توسعه امور نظامی، ابنیه و اماکن نظامی و کمک‌های نظامی می‌شود» (Institute Stockholm International Peace Research, 2010).

در بررسی وضعیت نظامی کشورها شاخص‌های مختلفی در نظر گرفته می‌شود. به مجموع این شاخص‌ها سبد هزینه‌های نظامی گفته می‌شود. سرجمع هزینه‌های نظامی هر کشور با معیارها و شاخص‌های مختلف سنجیده می‌شود و با مقیاس کشورهای هم‌جوار مورد مقایسه قرار می‌گیرد. از میان مهم‌ترین شاخص‌های مذکور می‌توان به این موارد اشاره کرد: سرانه هزینه‌های نظامی، سرانه سرباز، هزینه‌های نظامی به کیلومتر مربع، هزینه‌های نظامی به نسبت هر سرباز، نسبت جمعیت به سرباز، درصد هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص ملی، و درصد هزینه‌های نظامی از هزینه‌های حکومت. در راستای اثبات این فرضیه که هزینه‌های نظامی ایران باید متناسب با هزینه‌های نظامی محیط امنیتی پیرامونی باشد، جدول زیر با تکیه بر مستندات و آمارهای ارائه‌شده از سوی



نهادهای معتبر بین‌المللی، موضوع را از وجوه مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد^۱:

میانگین سبد هزینه‌های نظامی کشورهای عضو محیط امنیتی ایران (۲۰۰۹-۱۹۸۹)

میانگین	قزاقستان	عربستان	روسیه	ترکیه	پاکستان	ایران	اسرائیل	
	۷۹۷۶۹	۱۹۱۳۶۰	۲۹۰۱۲۵۶	۷۱۶۳۶۰	۷۸۹۵۵۰	۶۱۹۷۳۰	۱۸۱۱۱۷	پرسنل نظامی
۳/۳	۱	۲/۹	۳	۳/۱	۲	۳	۷/۹	درصد پرسنل نظامی به نسبت نیروی کار
	۷۲۲	۲۴۲۲۲	۶۷۲۰۰	۱۷۶۰۰	۴۳۲۱	۵/۶۴۳	۱۲/۷۵۷	هزینه‌های نظامی (به میلیون دلار ۲۰۰۸)
۵/۳	۱	۱۰/۶	۵/۱	۳/۴	۵/۳	۲/۷	۹/۲	درصد هزینه‌های نظامی (از تولید ناخالص داخلی)
	۱۵۴۷	۱۰۰۰۸	۲۱۵۱	۳۹۹۴	۵۴۴	۱۶۴۸/۴	۱۸۴۵۴	سرانه تولید ناخالص داخلی (به دلار)
۵۹۷	۴۶	۱۱۹۴	۴۶۱	۲۷۰	۳۱/۸	۷۷/۴	۲۰۹۶	سرانه هزینه نظامی (به دلار)
۱۶	۶/۹		۱۷/۶	۱۰	۲۹/۹	۱۴/۹	۱۷/۷	درصد هزینه‌های نظامی از هزینه‌های حکومت
۳۸۳۳۹	۹۰۵۱	۱۲۶۵۷۸	۲۳۱۶۲	۲۴۵۶۹	۵۴۷۳	۹۱۰۶	۷۰۴۳۵	سرانه هزینه هر سرباز (به دلار)
۹۴۶۳۲	۲۶۵	۱۲۳۵۴	۳۹۳۵	۲۲۸۶۸	۵۳۷۵	۳۴۲۴	۶۱۴۲۰۳	هزینه نظامی به ازای هر کیلومتر مربع
۱۰۹	۱۹۵	۱۰۶	۵۰	۹۱	۱۷۲	۱۱۷/۶	۳۳/۶	نسبت جمعیت به سرباز (به نفر)

Source: Stockholm International Peace Research Institute(SIPRI), *The SIPRI Military Expenditures Data Base*, at: www.Sipri.org/databases/miles;

World Bank, World Development Indicator, at: www.data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators

۱. بر این اساس نویسنده صرفاً به بیان هزینه‌ها به ارقام معمولی که در منابع اولیه بدان اشاره می‌شود، بسنده نکرده و با انتخاب معیارهای دقیق‌تر و نگاه چندوجهی به موضوع از منظرهای مختلف نگریسته است. بیان رقم هزینه‌های نظامی به میلیون دلار واقعیت را بیان می‌کند، اما نه همه آن را. سرانه هزینه نظامی بیان‌کننده این است که از سوی حکومت به هر شهروند چه میزان هزینه نظامی تحمیل می‌شود. سرانه هزینه‌های سرباز بیانگر این نکته است که چه میزان هزینه برای هر نیروی نظامی مصرف می‌شود. درصد پیکارکنان نظامی به نیروی کار از اختصاص منابع انسانی فعال به حوزه نظامی و در نتیجه، میزان کارآفرینی نظامی و تفوق یا بهره‌مندی این حوزه از نیروی کار را نشان می‌دهد. هزینه‌های نظامی به نسبت هر کیلومتر نیز میزان توجه و اهتمام دولت‌ها به سرزمین و هزینه‌های تأمین امنیت کشور به ازای هر کیلومتر مربع را نشان می‌دهد. نسبت جمعیت به سرباز نیز بیان‌کننده تعداد سرباز لازم برای حمایت از شهروندان است. معیارهای دیگری هم هست که در این فرصت اندک نمی‌توان به همه آنها پرداخت. بدون شک توجه به عموم این معیارها می‌تواند تصویر مناسبی از امر واقع میزان نظامی‌گرایی در یک کشور ارائه کند. صرفاً ارائه آمارهای کلان بدون توجه به بازتابی این هزینه‌ها در زندگی عمومی جامعه و شهروندان و توجه ساده‌انگارانه به کاستی یا فزونی هزینه‌های نظامی واحد سیاسی خاص بدون دقت نظر به مصارف واقعی آن، راهزن اندیشه خواهد شد.



پیش از ورود به بحث اصلی ذکر چند نکته ضروری است: نخست، در مورد آمار مندرج در جدول سبد هزینه‌های نظامی کشورهای عضو محیط امنیتی پیرامونی ایران باید گفت اطلاعات فوق برگرفته از آمار ارائه‌شده توسط بانک جهانی و سیپری در سال ۲۰۱۰ است. بر اساس آمار مذکور، هزینه‌های بیست ساله اخیر از پایان جنگ ایران و عراق در ۱۹۸۹ آغاز و تا پایان سال ۲۰۰۸ مورد بررسی قرار گرفته است. در گام نخست آمارهای هر کشور به طور جداگانه تهیه و سپس میانگین هر مورد طی بیست سال مورد بحث استخراج شده است.

دوم، هزینه‌های نظامی به طور معمول متغیر مستقل محسوب نمی‌شوند و عموماً به عنوان متغیری وابسته به سیاست‌های کلان حکومت و تحت تأثیر علل و عوامل مختلف مورد توجه واقع می‌شوند. به عبارت دیگر، این هزینه‌ها تابعی از تحولات منطقه‌ای، سیاست‌های کلان بین‌المللی، ائتلاف‌ها و انفکاک قدرت‌های بومی، مداخله قدرت‌های تأثیرگذار خارجی، توان اقتصادی کشور، عوامل تهدیدکننده امنیتی و نظایر آن هستند. در حقیقت، هزینه‌های نظامی واکنش کشور هدف به محیط امنیتی پیرامونی است و مستمراً در حال تغییر است.

سوم، برای بررسی دقیق وضعیت هزینه‌های نظامی نمی‌توان و نباید صرفاً به یک عامل و در یک بازه زمانی کوتاه بسنده کرد. بررسی سبد هزینه‌های نظامی شامل معیارهای عمومی و اختصاصی هر کشور که در جدول و نمودارهای تحقیق حاضر بیان شده، نگاهی شامل و جامع به ابعاد مختلف آشکار و نهان هزینه‌های نظامی یک کشور در طول دو دهه است که در قیاس با سایر واحدهای سیاسی هم‌جوار یا عضو محیط امنیتی، تصویری واقعی‌تر از شرایط نظامی و امنیتی منطقه ارائه می‌کند.

چهارم، کشورها معمولاً بدبینانه‌ترین شرایط امنیتی محیط پیرامونی خود را در تخصیص هزینه‌های امنیتی لحاظ می‌کنند. در چنین وضعی، توجه به شرایط عینی محیط و نگرانی‌های موجود و انطباق آن با نیازمندی‌های امنیتی و امکانات موجود یا در اختیار، فاصله‌ای میان بایدهای و هست‌های نظامی و امنیتی رخ می‌دهد. این حفره‌های امنیتی و نظامی در رقابت تنگاتنگ برای بهره‌برداری از منابع معمولاً اندک موجود، به طور معمول به سایر کشورها فرصت اعمال نفوذ، مداخله، بحران‌سازی و حتی جنگ می‌دهند.



میان واحدهای حوزه امنیتی بلافصل جمهوری اسلامی ایران، آسیای مرکزی با محوریت قزاقستان کمترین دغدغه برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. هیچ‌یک از اعضای این محیط امنیتی رفتار خصمانه با ایران ندارند و مزاحمت امنیتی خاصی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نکرده‌اند. عمده نگرانی شامل پیوندهای نزدیک این کشورها با رقبای نزدیک و تهدیدآفرین برای ایران است که به آنان وزن و جایگاهی نسبتاً مهم در حوزه امنیتی می‌دهد. افزون بر آن، قزاقستان در حوزه امنیتی دریای مازندران در قامت رقیب ظاهر شده و از توان هسته‌ای فوق‌العاده‌ای برخوردار است، لذا در محاسبات مرتبط با این حوزه به عنوان یک واحد سیاسی شاخص (و البته ضعیف‌ترین) در نظر گرفته شده است.

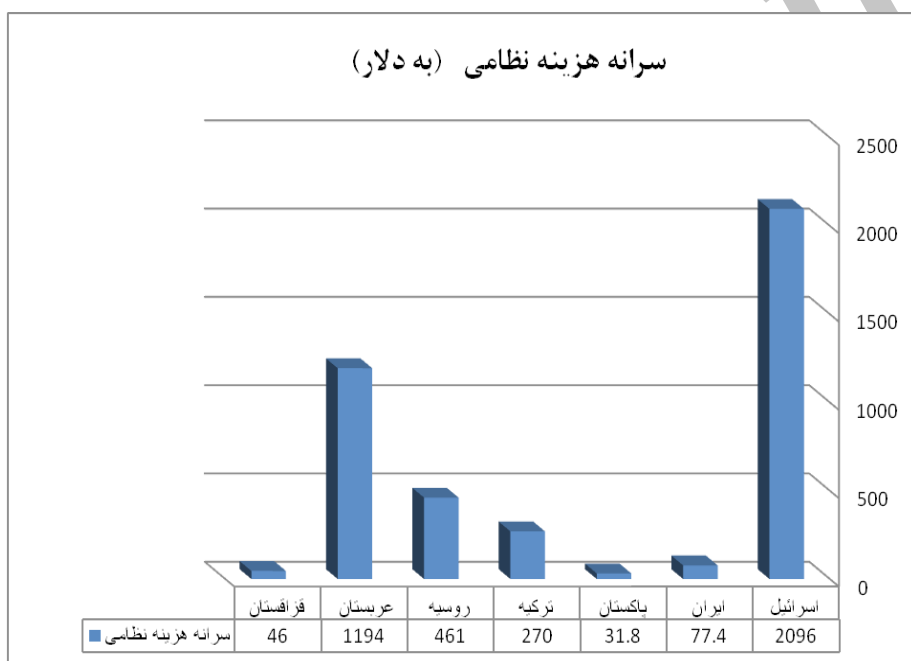
امنیت موضوعی ذهنی و سیال است و احساس آن از وجودش مهم‌تر جلوه می‌کند. بنابراین، افزایش معمول و متناسب هزینه‌های نظامی در محیط امن و قابل اعتماد، معمولاً به مسابقه تسلیحاتی و نظامی نمی‌انجامد. ایجاد کشورهای قدرتمند و دارای گفتمان مشترک امنیتی (و نه الزاماً سیاسی) به کاهش هزینه‌های امنیتی کمک می‌کند. کمک به ثبات کشورهای ضعیف و تقویت آنان به کاهش حضور قدرت‌های بیگانه می‌انجامد. افزایش دامنه خودآگاهی و رواج و ترویج استقلال عمل و اعمال حاکمیت و بسط دموکراسی درون‌زا و بومی‌شده و منطبق بر خواست ملی به این روند کمک می‌کند. با توجه به توضیحات پیشین، اینک وقت آن است که فرضیه مورد آزمون قرار گیرد و صحت و سقم آن مشخص شود. در این بخش از مقاله شاخص‌های مختلف از چند منظر متفاوت مورد توجه قرار می‌گیرند.

۱. سرانه هزینه نظامی

یکی از شاخص‌های مهم تعیین میزان نظامی‌گرایی در کشورها بررسی سرانه هزینه‌های نظامی یک کشور است. این معیار نشان می‌دهد که چه میزان بودجه نظامی برای هر نفر در طول دوره مورد توجه در هر کشور در نظر گرفته شده است. در دوره مورد بررسی میانگین هزینه‌های کشورهای مختلف به دلار ثابت سال ۲۰۰۸ استخراج و بر میانگین جمعیت طی همین دوره تقسیم شده است. از تقسیم این دو عدد بر یکدیگر رقم متوسط سرانه هزینه نظامی به دست آمده



است. این رقم برای اسرائیل به ازای هر نفر ۲۰۹۶ دلار تخصیص یافته است که بیشترین رقم در خاورمیانه و جهان محسوب می‌شود. مرحله بعد، عربستان با اختصاص ۱۱۹۴ دلار در رتبه دوم قرار می‌گیرد. روسیه و ترکیه نیز به ترتیب با ۴۶۱ و ۲۷۰ دلار مراتب بعدی را اشغال کرده‌اند. در سه مرحله آخر ایران با حدود ۷۷ دلار، قزاقستان ۴۶ و پاکستان ۳۲ دلار قرار دارند و سرانه هزینه نظامی این کشورها بسیار کمتر از رقبا در منطقه بوده است. در مقایسه‌ای کوتاه با سایر کشورهای عضو محیط امنیتی به خوبی می‌توان دریافت که ایران از این نظر در زمره کمترین هزینه‌کنندگان در منطقه بوده است.



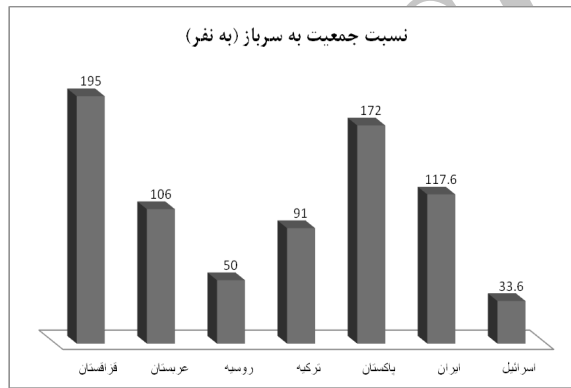
Source: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI). the SIPRI Military Expenditures Data Base, at: www.sipri.org/databases/milex
World Bank, World Development Indicator. at: www.data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators

۲. نسبت جمعیت به سرباز

یکی دیگر از شاخص‌های نشان‌دهنده میزان اهتمام کشورها به امور نظامی بررسی نسبت جمعیت به سرباز است. به طور معمول کشورهایی که به نظامی‌گرایی



شهره‌اند تعداد پرسنل نظامی‌شان به نسبت جمعیت بیشتر از کشورهای است که به این مسئله توجه کمتری دارند. در مورد مقیاس مورد نظر، آمار ذیل به خوبی گواه است که جمهوری اسلامی به ازای هر ۱۱۷ نفر یک کارکنان نظامی در اختیار داشته است و همانند گزینه قبلی در این بخش نیز پس از قزاقستان و پاکستان در مرتبه سوم قرار می‌گیرد. عربستان به ازای هر ۱۰۶ نفر، ترکیه به ازای هر ۹۱ نفر و روسیه نیز به ازای هر ۵۰ نفر یک نیروی نظامی در اختیار دارند. این رقم برای اسرائیل به ازای هر ۳۴ نفر یک نیروی نظامی است که از این نظر هم در منطقه و جهان رتبه اول را دارد.



Source: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), The SIPRI Military Expenditures Data Base, at:

www.sipri.org/databases/milex

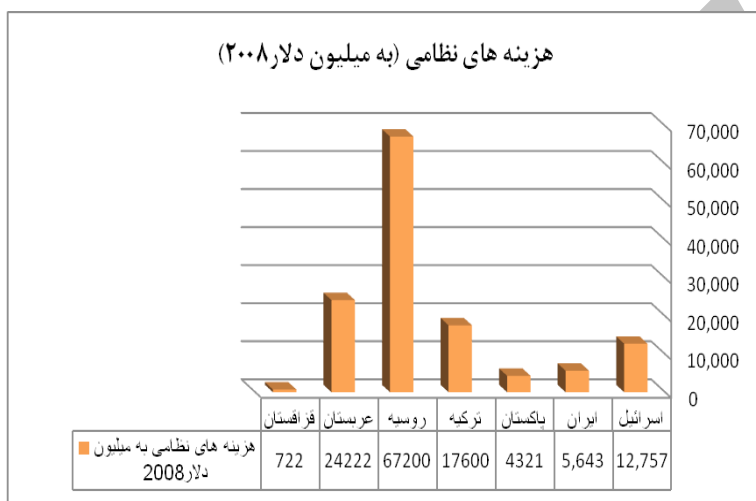
World Bank, World Development Indicator, at: www.data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators

۳. هزینه‌های نظامی به میلیون دلار

یکی دیگر از شاخص‌های بررسی میزان اهتمام کشورهای عضو محیط امنیتی به امور نظامی و میزان تهدیدآفرینی آنها اختصاص بودجه‌های هنگفت به بخش نظامی است. در این زمینه روسیه با توجه به تلاش برای کنترل منطقه، هم‌چنان یکه‌تازی می‌کند و به طور متوسط سالانه بیش از ۶۷ میلیارد دلار هزینه نظامی دارد. عربستان با تخصیص متوسط سالانه بیش از ۲۴ میلیارد دلار میان کشورهای توسعه‌نیافته برای سالیان دراز حایز رتبه اول بوده است. ترکیه نیز در ادامه سیاست‌های نظامیان حتی زمانی که غیرنظامیان در رأس قدرت بوده‌اند، هم‌چنان با اختصاص متوسط سالانه بیش از ۱۷ میلیارد دلار رقم

www.SID.ir

شگفت‌آوری به هزینه‌های نظامی خود تخصیص داده است. اسرائیل هم به طور متوسط سالانه حدود ۱۳ میلیارد دلار بودجه به امور نظامی اختصاص می‌داد که با توجه به فقدان تهدید جدی، این رقم بسیار زیاد به نظر می‌رسد. جمهوری اسلامی سالانه به طور متوسط با تخصیص حدود ۵/۶ میلیارد دلار در رتبه پنجم قرار می‌گیرد. بخش اعظم هزینه‌های انجام‌شده تحت تأثیر جنگ هشت ساله با عراق و بازسازی بخش نظامی پس از جنگ بوده است. در مراحل بعدی پاکستان ۴/۳ میلیارد دلار و قزاقستان ۷۰۰ میلیون دلار در این حوزه هزینه کرده‌اند.



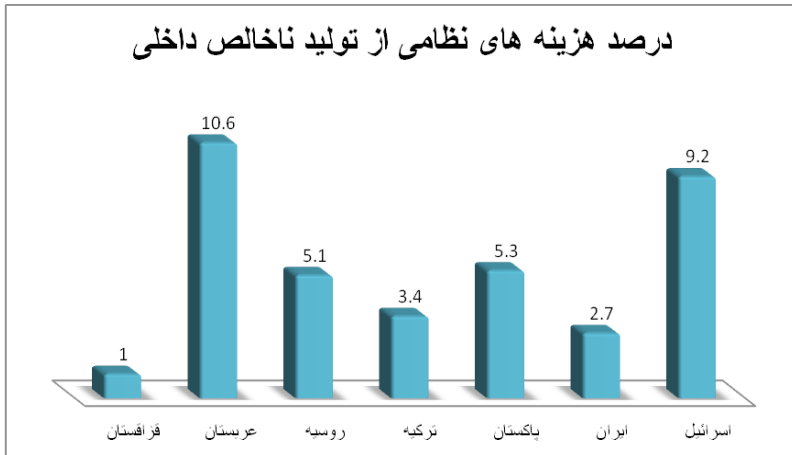
Source: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), the SIPRI Military Expenditures Data Base, at: www.sipri.org/databases/milex World Bank, World Development Indicator, at: www.data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators

۴. نسبت هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص داخلی

از شاخص‌های مهم برای بررسی میزان اهتمام کشورها به امور نظامی درصد هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص داخلی است. این شاخص به خوبی نشان می‌دهد چه درصدی از تولید ناخالص داخلی صرف هزینه‌های نظامی و تأمین امنیت می‌شود. بر اساس شواهد موجود، عربستان طی دو دهه گذشته، حدود ۱۰/۶ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به این امر اختصاص داده است که در تمام این مدت در جهان نمی‌توان برای آن نمونه دیگری در نظر گرفت. با فاصله‌ای اندک از این کشور اسرائیل قرار دارد که رقمی معادل ۹/۲ درصد اختصاص داده است. از این رو، میان رژیم صهیونیستی و عربستان مشابهت رفتاری ویژه‌ای طی این دو دهه مشاهده می‌شود. پاکستان با اختصاص ۵/۳



درصد در مرتبه سوم و روسیه با ۵/۱ درصد و ترکیه با ۳/۴ درصد در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. میان کشورهای مطرح منطقه، تنها ایران است که به رغم وجود تهدیدهای عینی و گذران جنگ و لزوم بازسازی، رقمی معادل ۲/۷ درصد را صرف هزینه‌های نظامی کرده است که تقریباً معادل نیمی از میانگین درصد کشورهای مهم عضو محیط امنیتی (۵/۳) است.

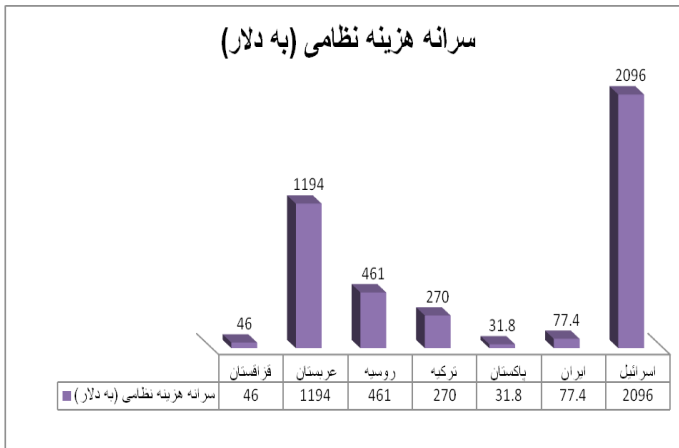


Source: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), the SIPRI Military Expenditures Data Base, at: www.sipri.org/databases/milex
World Bank, World Development Indicator. at: www.data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators

۵. سرانه هزینه نظامی

یکی دیگر از شاخص‌های هزینه‌های نظامی سرانه هزینه‌های نظامی است. بر این اساس مجموع هزینه‌های نظامی یک کشور طی دوره‌ای خاص بر جمعیت آن کشور طی همان دوره تقسیم می‌شود و مبلغ به‌دست‌آمده، هزینه نظامی اختصاص‌یافته به هر فرد به حساب می‌آید. بر اساس آمار موجود، رقابت میان اسرائیل و عربستان در این زمینه نیز کاملاً مشهود است. سرانه هزینه‌های نظامی رژیم صهیونیستی با اختصاص ۲۰۹۶ دلار و عربستان با اندکی کمتر (۱۱۹۴ دلار) بیشترین رقم میان کشورهای منطقه است. با فاصله بسیار بیشتر از این دو، روسیه با تخصیص ۴۶۱ دلار رتبه سوم را به خود اختصاص می‌دهد. ترکیه نیز رقمی معادل ۲۷۰ دلار به این امر تخصیص داده است. در مرتبه آخر ایران، پاکستان و قزاقستان قرار دارند که کمترین هزینه‌ها را کرده‌اند. هزینه‌های تخصیص‌یافته از سوی ایران با میانگین موجود، هشت برابر فاصله دارد.



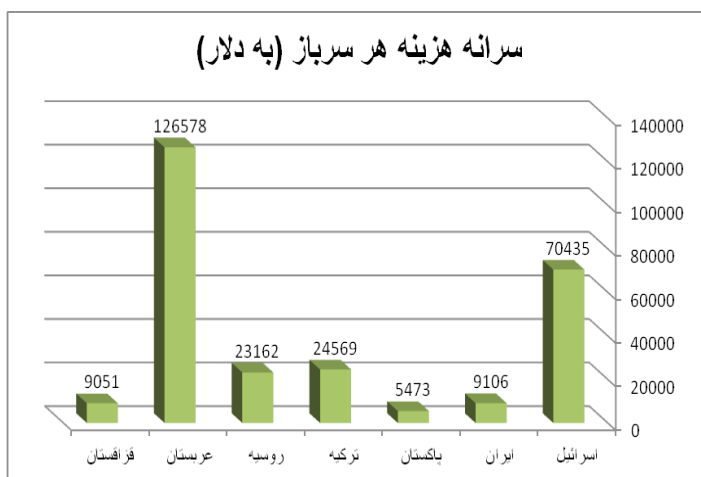


Source: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), the SIPRI Military Expenditures Data Base, at: www.sipri.org/databases/milex World Bank, World Development Indicator, at: www.data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators

۶. سرانه هزینه هر سرباز

شاخص مهم دیگر سرانه هزینه‌های هر سرباز است. این شاخص در پی تقسیم هزینه‌های نظامی بر تعداد افراد شاغل در نیروی نظامی به دست می‌آید و در زمره شاخص‌های معتبر محسوب می‌شود. طی دوره مورد بحث عربستان با تخصیص ۱۲۶/۵۷۸ دلار بیشترین هزینه‌ها را انجام داده و از این بابت در سطح جهان رکورددار محسوب می‌شود. اسرائیل با هزینه ۷۰۴۳۵ دلار در مرتبه دوم ایستاده و ترکیه با ۲۴۵۶۹ و روسیه با ۲۳۱۶۲ دلار در مرتبه‌های سوم و چهارم قرار دارند. در مرتبه پنجم ایران قرار می‌گیرد که رقمی حدود ۹۱۰۶ دلار هزینه کرده است. در مرحله بعد پاکستان و سپس قزاقستان هستند. شایان ذکر است متوسط هزینه‌ها در این شاخص برای کشورهای منطقه رقم ۳۸۳۳۹ دلار بوده است که از این نظر ایران بسیار کمتر از میانگین هزینه کرده است.

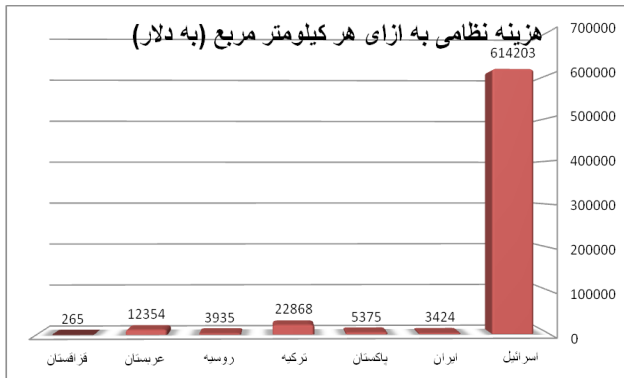




Source: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), the SIPRI Military Expenditures Data Base, at: www.sipri.org/databases/milex World Bank, World Development Indicator, at: www.data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators

۷. هزینه نظامی به ازای هر کیلومتر مربع

از شاخص‌های مورد توجه دیگر اختصاص هزینه‌های نظامی به ازای هر کیلومتر مربع است. با تقسیم هزینه‌های نظامی بر مساحت کشور، میزان توجه کشور به امور نظامی به دست می‌آید. بر این اساس میانگین هزینه‌های نظامی کشورها طی دو دهه بر مساحت کشورها تقسیم شده و ارقام زیر به دست آمده است. اسرائیل با تخصیص بیشترین هزینه (۶۱۴/۲۰۳ دلار) به ازای هر کیلومتر مربع برای بیش از دو دهه رکورددار بوده است. ترکیه با اختصاص رقمی حدود ۲۲۸۶۸ دلار در مرتبه دوم و عربستان با تخصیص ۱۲۳۵۴ دلار در جایگاه سوم قرار گرفته است. پاکستان با ۵۳۷۵ دلار و روسیه با ۳۹۳۵ دلار موقعیت‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. جمهوری اسلامی با تخصیص کمترین رقم (۳۴۲۴ دلار) در قیاس با رقبای منطقه‌ای خود که بسیار کمتر از رقم میانگین (۹۴۶۳۲) است، جایگاه ماقبل آخر را به خود اختصاص داده است. کمترین هزینه‌ها از آن قزاقستان است که به دلیل پهناور بودن این کشور هزینه‌ها به حداقل ممکن تنزل یافته است.



Source: Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), the SIPRI Military Expenditures Data Base, at: www.sipri.org/databases/milex World Bank, World Development Indicator, at: www.data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators

نتیجه‌گیری

بررسی شاخص‌های ارائه‌شده و تجزیه و تحلیل سبد هزینه‌های نظامی از منظرهای مختلف حاکی است که جمهوری اسلامی ایران طی دو دهه مورد بحث به رغم تهدیدهای بسیاری که متوجه آن بوده، در قیاس با همه کشورهای که مشکلات امنیتی مشابه نداشته‌اند، میزان کمتری هزینه به امور نظامی تخصیص داده است. با اینکه در دو دهه گذشته منطقه و جمهوری اسلامی ایران شاهد بحران‌های عظیم امنیتی نظیر جنگ با مشارکت کشورهای متعدد و در ابعاد بین‌المللی در دو کشور همسایه بوده‌اند و تلاطم امنیتی بسیاری متوجه ایران شده بود، اما بر اساس آمار و ارقام ارائه‌شده، جمهوری اسلامی در تمام حوزه‌های مختلف کمترین حد ممکن را به امور نظامی اختصاص داده است. سابقه درگیری‌های امنیتی در منطقه و تجارب کشورهای هم‌جوار و رصد هزینه‌های نظامی بیست ساله آنان، افزون بر دلایلی که در زیر به آنها اشاره می‌شود، مؤید آن است که جمهوری اسلامی باید حجم بیشتری از امکانات مادی را به امور نظامی و تأمین امنیت اختصاص دهد. مهم‌ترین این دلایل را می‌توان چنین برشمرد:

- لزوم تأمین امنیت و حفظ تمامیت ارضی کشور و ممانعت از تکرار تجاوز

خارجی؛



- مقابله با تهدیدهای صریح کشورهای عضو محیط امنیتی (اسرائیل)؛
- به روز رساندن تجهیزات نظامی پس از گذشت سه، چهار دهه از خرید آنان؛
- ضرورت تقویت و بازسازی مستمر نظامی پس از جنگ هشت ساله؛
- تضمین امنیت شهروندان از تهدیدهای مختلف نظیر تروریسم، مواد مخدر و نظایر آن؛

- ایجاد هم طرازی نظامی در جهت تخصیص منابع با کشورهای رقیب؛
- برقراری تعادل (تجهیزات و سایر امکانات) در توازن نظامی با کشورهای رقیب؛
- توسعه امکانات و زیرساخت‌های لازم برای ایفای نقش برتر منطقه‌ای مورد انتظار؛

- ایجاد امنیت پایدار از طریق سیاست موازنه (تهدید یا قوا) با رقبای دیگر؛
- مقابله با تهدیدهای فرامنطقه‌ای (به طور مشخص آمریکا).
با توجه به موارد یادشده به نظر می‌رسد در قیاس با سایر اعضای محیط امنیتی، نظام اسلامی باید توجه و تأمل بیشتری در این خصوص نشان دهد و متناسب با نیازمندی‌های امنیتی و نظامی موجود، توجهی شایسته به این حوزه کند. بدون شک کم‌توجهی به وضعیت نظامی کنونی کشورهای پیرامونی و بسنده کردن به روال جاری که تشریح واقعی آن در تخصیص هزینه‌های نظامی طی دو دهه مشهود است، می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری به ساختار نظامی و امنیتی کشور وارد نماید. تهدیدهای رو به افزایش در محیط امنیتی نسبتاً خصمانه و روند نسبتاً محتوم درگیری با ایران و تهدید مستمر و همه‌جانبه آمریکا و هم‌پیمانان جهانی و منطقه‌ای به ویژه رژیم صهیونیستی تجدید نظر در این زمینه را ناگزیر می‌کند.



- کاظم پور اردبیلی، حسین (۱۳۷۷)، «رژیم حقوقی دریای خزر توسعه منابع و خطوط انرژی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۱، بهار.

منابع لاتین

- Tang, Shiping (2000), "A Systemic Theory of the Security", *The Journal of Strategic Studies*, March.
- Agha, Husain & Others. *Track II Diplomacy: Lessons From Middle East*, Cambridge (MA): Harvard University.
- Buzan, Barry (1983), *People States and Fear: The National Security Problem in International Realations*, Brighton: Weatsheaf Books, 1983.
- Cordesman, Anthony H (1999), *Iraq and the War of Sanctions: Conventional Threats and Weapons of Mass Destruction*, Wesport: Greenwood Publishing Group.
- Dittmer, Lowell (2005), *South Asia's Nuclear Security Dilemma: India, Pakistan, and China*, New York: M E Sharp.
- Hackett, James (ed) (2010), *The Military Balance 2010*, london: International Institute for Strategic Studies.
- Ian, Anthony (1994), *The Future of the Defence Industries in Central and Eastern Europe*, Oxford: Oxford University Press.
- Institute Stockholm International Peace Research (2010), *Sipri Yearbook 2010: Armaments, Disarmament and International Security*, Oxford: Oxford University Press.
- (2003), "Irans Foreign policy - Kaveh Afrasiabi, Abbas Maleki after 11 September", *the Brown Journal of World Affairs*, Winter/Spring.
- Kristensen, Hans M (2006), *U.S. Nuclear Weapons in Europe*, Washington: Natural Resources Defense Council.
- Lugar, Richard G_ (1999), *Nunn-Lugar: The Past as a Guide to the Future, Presentation at NISNP Conference Assessing U.S. Dismantlement and Nonproliferation Assistance Programs in the Newly Independent States*, Monterey, CA, December 1999.
- Nitzan, Jonatan, Bichler Shimshon (1995), "Bringing Capital Accumulation Back in: the Weapondollar Petrodollar Coalition



Military Contractors, Oil Companies and Middle East Energy Conflicts,” *Review of International Political Economy*, summer.

- Nordhaus, William, Oneil, John, Russett Bruce (2009), *The Effects of the Security Environment on Military Expenditures*, New Haven: Cowles Foundation for Research in Economics, Yale University.

- Norriss, Robert, Hans Kristensen (2010), “Global Nuclear Weapons Inventories”, Vol 66, No, 4 July.

- Rabasa, Angel (2004), *the Muslim World After 9/11*. California, Santa Monica: Rand.

Statistics on Military Expenditure in - Rémy, Herrera (1994), Paris: Organization for Economic ... Developing Countries: Concepts Cooperation and Development.

- Rush, R.M (1983), "Third World Militarization: Security Webs and the States they Ensnare," *Journal of Conflict Resolution* 32.4.

- Sadowski, Yahya (1993), *Scuds or Butter? the Political Economy of Arms Control in the Middle east*, Washington: the Brookings Institution.

- Schoenbaum, David (2003),. “Overview of United States of Americas National Security Strategy”.

- Walt, Stephen M (1987), *The Origin of Alliances*, Ithaca: Cornell UP.

- Wilson, Peter W. and Douglas Graham (1994), *Saudi Arabia: The Coming Storm*, New York: M E Sharpe.

- Williams, Paul (2008), *Security Studies: an Introduction*, Oxon: Routledge.



زيادة المعونات العسكرية الإيرانية؛ ضرورة حتمية

الدكتور جواد شعرباف¹

تسلم: ۱۴۳۲/۱۱/۴

قبل: ۱۴۳۳/۱/۲۲

إن دراسة المعونات العسكرية للدول التي تقع في محيطٍ أمنيٍّ واحدٍ هي موضوع البحوث الكثيرة. يناقش هذا المقال مسألة المعونات العسكرية للجمهورية الإسلامية الإيرانية في مقارنة مع الدول الأخرى في هذا المحيط الأمني. و فرضية المقال هي أن المعونات العسكرية لإيران قليلة جداً قياساً إلى الدول الأخرى التي لا يهددها خطر في المنطقة و يجب زيادتها بالنظر إلى ضرورتها الأمنية. و بالنظر إلى أسبابٍ عديدةٍ كضرورة إعادة البناء العسكري بعد الحرب المفروضة و ضرورة التعويض أو إسقاط الآلات العسكرية القديمة و المستهلكة المتبقية من عهد الشاه و التهديدات الكثيرة التي كان قد يواجهها نظام الجمهورية الإسلامية الإيرانية و الحرب المفروضة على مدى ثماني سنواتٍ مع العراق و تهديدات الطالبان في أفغانستان و الحملات العسكرية الأمريكية على البلدين المجاورين و إحتلالهما على يد القوات الدولية و التصعيد الملحوظ لتهديدات الكيان الصهيوني و السباق التسليحي الحالي في منطقة الخليج الفارسي و بواعث القلق العديدة في المحيط الأمني، يمكن القول بأنّ المعونات العسكرية الإيرانية أقلّ من الضرورة في الحالات المتشابهة.

الكلمات الرئيسية:

المعونات العسكرية، المحيط الأمني، السباق التسليحي، الشرق الأوسط، الخليج الفارسي

